

مطالعات روان‌شناختی
دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه الزهراء
دوره ۵ / شماره ۱
بهار ۱۳۸۸
تاریخ دریافت مقاله: ۸۶/۲/۱۷ تاریخ بررسی مقاله: ۸۶/۲/۳۰ تاریخ پذیرش مقاله: ۸۸/۲/۱۱

مقایسه پردازش معنایی مفاهیم هیجانی در بین افراد افسرده غیربالینی و افراد با صفات شخصیتی برون‌گرایی

دکتر علی عینی زاکان*

استادیار گروه علوم تربیتی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه ارومیه

چکیده

بر اساس رویکرد شناختی این فرض وجود دارد که علت تفاوت در پاسخ‌دهی هیجانی، تفاوت در پردازش معنایی در سیستم شناخت است. بر اساس این دیدگاه افراد به طور نسبی الگوهای ثابتی از پردازش معنایی در ذهن دارند که نشانه تجارب گذشته و در بعضی موارد مرتبط با رفتار فعلی آن‌ها است. (مارکس، ۱۹۶۵). برای مطالعه پردازش معنایی، دو گروه با تأکید بر رویکرد آژگود، به منظور مطالعه افتراق معنایی برای مقایسه انتخاب شدند. از میان ۱۶۱ آزمودنی داوطلب ($n=25$) نفر با صفت شخصیتی برون‌گرایی با استفاده از آزمون شخصیتی آیزنک و از میان ۴۷ نفر ($n=25$) آزمودنی با روان رنجوری افسردگی غیر بالینی با استفاده از آزمون افسردگی بک نسخه دوم انتخاب شدند و به تفکیک ۱۵ مفهوم هیجانی از طیف‌های متفاوت مربوط به پرخاشگری، احساسات ناخوشایند تجربه شده مثل ترس و اضطراب و از طیف تجربه هیجانی که اغلب احساسات مثبت را دربر می‌گیرند بر اساس آزمون آژگود افتراق معنایی شد. بر اساس تجزیه و تحلیل واریانس، نتایج نشان داد در سطح $p < 0.05$ در پاسخهای افتراق معنایی، بر حسب تفکیک افتراق معنایی در چهار بُعد معنی (ارزیابی، توانایی، فعالیت و خطر) تفاوتی در بین دو گروه با افسردگی غیربالینی و افراد با صفات شخصیتی برون‌گرایی برای مفاهیم ناراحتی، اضطراب، عشق وجود دارد و این تفاوت برای مفهوم ناراحتی در بُعد توانایی معنی و برای مفهوم عشق در بُعد ارزیابی معنی است.

کلید واژه‌ها:

پردازش معنایی، مفاهیم هیجانی، افسردگی غیربالینی، صفات شخصیتی برون‌گرایی

مقدمه

درباره بررسی پردازش اطلاعات هیجانی تعداد زیادی از پژوهش و نظریه‌ها بر این سؤال تمرکز یافته است، که چگونه افراد به گونه‌ای متفاوت محرکات هیجانی را پردازش می‌کنند. دو فرضیه «همخوانی با خلق»^۱ و فرضیه «همخوانی با صفت»^۲ در این خصوص مطرح شده است. بر طبق فرضیه همخوانی با خلق افراد ترجیحاً آن نوع محرک‌های هیجانی را پردازش می‌کنند که با کیفیت هیجانی آنها همخوان است و بر طبق فرضیه همخوانی با صفت تفاوت‌های فردی در پردازش هیجانی احتمالاً به طور نسبی از صفات شخصیتی ثابتی ناشی شده، که تعیین می‌کنند افراد همخوان با آن صفت اطلاعات را پردازش کنند (راستینگ^۳، ۱۹۹۸). بر اساس این دو فرضیه پژوهش‌های انجام شده یا بر حالت‌های خلقی گذرا (بلانی^۴، ۱۹۸۶، به نقل از همان)، یا بر اختلالات بالینی طولانی مدت و صفات ثابت شخصیتی (دالگلیش و واتز^۵، ۱۹۹۰؛ آیزنک^۶، ۱۹۹۲؛ فوا و کوزاک^۷، ۱۹۸۶؛ متیوز و مک لود^۸، ۱۹۹۴؛ به نقل از همان، ۱۹۹۸) تمرکز کرده‌اند.

در تقابل با دو فرضیه بالا، فرضیه دیگری، با تأکید بر معنی، بر این نظر است که پاسخهای هیجانی شبکه‌ای از ساختارهای مفهومی و ادراکی هستند، که در آن اشیاء و افراد دنیا، اعمال دیگران و خود ما معنی و اهمیت خاص دارند (کرتیلر و کرتیلر^۹، ۱۹۹۲). مدل‌های ارائه شده در بالا مدل‌های تک سطحی بودند، ولی این فرضیه با مدل‌های چند سطحی^{۱۰} مرتبط است که بر دو نظام‌واره^{۱۱} شناختی در پردازش اطلاعات هیجانی تأکید دارند؛ که دربرگیرنده نظام‌واره‌های ادراکی- طرح‌واره‌ای، عقلانی- تجربی، نمادین- زیر نمادین، گزاره‌ای- دلالتی ضمنی هستند. این چند سطح

1. mood - congruency hypothesis
2. trait- congruency hypothesis
3. Rusting
4. Blaney
5. Dalgleish & Watts
6. Eysenk
7. Foa & Kozak
8. Mathews & Mcleod
9. Krietler & Krietler
10. Multilevel Model
11. System

مقایسه پردازش معنایی مفاهیم هیجانی در ... ۱۱

در مقایسه با نظام واره‌های ضمنی و متداعی که با سیستم‌های پاسخ بدنی مرتبط هستند در سطوح بالاتری از پردازش قرار دارند. بر اساس این رویکرد نظر بر این است که حالت‌های خاص روان‌رنجوری با برانگیختگی مفرط یا کاستی در برانگیختگی «ساختارهای معنا مدار اختصاصی^۱» با نظام پردازشی مرتبط است (کلارک و همکاران، ۱۹۹۹؛ به نقل از نظیری، ۱۳۸۳).

در راستای این فرضیه رویکرد مبتنی بر جهت‌مندی شناختی (CO)^۲ در خصوص پردازش معنایی اطلاعات هیجانی چنین مطرح می‌کند، که به واسطه‌مندی^۳ تخصیص معنی است که باید تحلیل روان‌شناختی انجام شود. این رویکرد بر این باور است که شناخت نظام‌واره پردازش معنی^۴ است (کرتیلر و کرتیلر، ۱۹۹۲). بر اساس این رویکرد پردازش صعودی پردازش از پایین به بالا^۵ یعنی پردازش بر اساس فرآیندهای ادراکی بر داده-خاست^۶ متکی است؛ و پردازش نزولی پردازش از بالا به پایین^۷ و بر فرضیه-خاست^۸ متکی است. پردازش معنایی بر این اساس پردازشی بر اساس فرایندهای مفهومی، یعنی استفاده از استنباطها، قواعد و انتظارات قبلی در پردازش اطلاعات جاری، محسوب می‌شود (آیزنک و آیین، ۲۰۰۱).

بنابراین، این فرض را می‌توان طرح کرد، که تفاوت در پاسخدهی هیجانی افراد ممکن است با تفاوت در پردازش معنایی یا مفهومی محرک در نظام‌واره‌ای شناخت مرتبط باشد. پرواضح است که این پردازش معنی، پردازش معنی واژگانی مطرح در زبان‌شناسی نیست؛ بلکه بیشتر جنبه ذهنی‌تر یعنی معنی عاطفی یا هیجانی مدنظر است. آژگود^۱ و همکاران او در این باره چنین بیان می‌کنند که جنبه صرفاً روان‌شناختی در خصوص معنی یک محرک این است که حالت شناختی استفاده‌کننده زبان برای رمزگردانی انتخابی نشانه‌های واژگانی یک شرایط

1. specific meaning - assignment structures
2. cognitive orientation
3. mediating
4. meaning - processing system
5. bottom up
6. data- driven
7. top- down
8. hypothesis- driven
9. Ieane
10. Osgood

پیشایند ضروری بوده و متعاقباً در رمزگشایی انتخابی نشانه‌ها در پیامها شرایط پسایند لازم محسوب می‌شود. با توجه به بی‌همتا بودن تجارب یادگیری هر فرد لذا، بار هیجانی اصطلاحات و مفاهیم خاص برای یک شخص در مقایسه با دیگری می‌تواند به واگرایی و تفاوت بر اساس تجارب یادگیری گذشته مربوط باشد. بر این اساس افراد الگوهایی از رفتار، معانی و مفاهیم در ذهن دارند که آنها را از افراد دیگر متمایز می‌کند. (مارکس^۱، ۱۹۶۵).

افراد با احساس خشنودی، شبیه افراد با صفات شخصیتی برون‌گرایی و احساس ناخشنودی شبیه افراد با روان‌رنجوری افسردگی احتمالاً از معانی و مفاهیم در ذهن به طور نسبی الگوهای ثابتی دارند که به عنوان بازنمایی تجارب گذشته آنها در نظر گرفته شود و به شیوه‌هایی مرتبط با رفتار مشهود است. از آن جاییکه مفهوم به عنوان محرکی سرشار از توانایی واکنش انگیزی در سطوح مختلف زبان شناختی، روان‌شناختی و عصب‌شناختی است و در پرتو نظریه‌های شبکه هر کلمه یا مفهومی در ذهن ما می‌تواند شبکه‌ای از اطلاعات را، چه در سطح آوایی، معنایی، نحوی و در عین حال تصویری، احساسی و عاطفی برانگیزد (قاسم زاده، ۱۳۷۵). بنابراین، این ویژگیها موجب می‌شود مفاهیم در زمینه‌های مختلف بتواند معانی یا مقاصد مختلفی را القاء کند. و بر حسب شبکه‌های تداعی الگوهای ثابت از معانی و مفاهیم را در ذهن فعال کنند. ویگوتسکی در این زمینه دو سطح در پردازش معنایی را طرح می‌کند: سطح تعمیمی یا مفهومی و سطح مضمونی و عاطفی، هیجانی، موقعیتی و شخصی که خارج از بافت و زمینه خود چندان مفهومی ندارد و در این سطح پردازش است که فضای ذهنی، بازخوردها، پیش‌داوری‌ها و در کل انگیزه و هدف در آن اثر می‌گذارد (همان، ۱۳۷۵). بر اساس رویکرد نشانه‌شناسی^۲ انسانها موجودات پردازش‌کننده نمادها محسوب می‌شوند. (اسمایت و جورنا^۳، ۱۹۹۸) بر اساس این دیدگاه فرد به عنوان یک «نظام‌واره و نماد فیزیکی»^۴ در نظر گرفته می‌شود (نیول و سیمون^۵، ۱۹۷۲؛ به نقل از میچون^۶ و همکاران، ۲۰۰۳).

-
1. Marks
 2. semiology
 3. Smythe & jorna
 4. physical symbol system
 5. Newll & simon
 6. Michon

ارزیابی افراد از معنای ضمنی و تلویحی کلمه بر اساس واکنشهای عاطفی مشترک انجام می‌شود، که خود جنبه‌هایی دارد. آژگود درصدد سنجش معنای تلویحی کلمه این جنبه‌ها را به سه دستهٔ ارزیابی^۱، توانایی^۲ و فعالیت^۳ تقسیم می‌کند که بر حسب این ابعاد کلمه‌ها معنایی چندگانه و چندحسی پیدا می‌کنند. بدین معنی که ویژگی‌های حسی یا فیزیکی محرک اول در سطح ساده تجزیه و تحلیل و در سطح میانه محرک شناسایی و برچسب‌گذاری می‌شود و در عمیق‌ترین سطح اطلاعات به طور معنایی پردازش می‌شوند. به زعم آندرسون (۱۹۹۵) در عمیق‌ترین سطح پردازش، بازنماییها بر معنا و به دو شکل گزاره‌ای و تمثیلی^۴ مبتنی است. بر این اساس شناخت به یک «خزانه‌ی نمادین»^۵ در اورگانیزم اشاره دارد و تعبیر نشانه (محرک، کلمه، مفهوم) احتمالاً یک نشانه، یک دلالت و یک شیء را در بافت شامل می‌شود، که به یک نوع خاص رفتار یا گرایشی در یک تعبیر کننده منجر می‌شود.

بر اساس رویکرد رفتارگرایی پارادایمی^۶، پردازش مفاهیم هیجانی با سه خزانهٔ شناختی - زبانی، انگیزشی - هیجانی و حسی - حرکتی مرتبط است. بر اساس این رویکرد اگر در پردازش معنایی مفاهیم هیجانی میان افراد تفاوتی وجود داشته باشد بیانگر تفاوت در این سه خزانه است. بر اساس رویکرد روان‌معناشناسی^۷ این نظام‌وارهٔ معنی^۸ است که به مصداق، مثلاً یک تصویر، شیء، کلمه و مفهوم معنی می‌دهد. فرایندهای مداخله کنندهٔ بین یک درونداد و برونداد را جهت‌مندی شناختی در چهار مرحلهٔ مطرح می‌کند: مرحلهٔ اول با یک درونداد بیرونی شروع می‌شود و برای دریافت‌کننده سؤال این است که این درونداد چیست؟ مرحلهٔ دوم با این سؤال ادامه می‌یابد که این درونداد چه معنی دارد؟ مرحلهٔ سوم با این سؤال ادامه می‌یابد که من چه انجام خواهم داد این مرحله مربوط به «نیت رفتاری» است و در مرحلهٔ چهارم این سؤال مطرح می‌شود که من چگونه انجام خواهم داد که این مرحله به «طرح‌واره

-
1. evaluation
 2. potency
 3. activity
 4. analogical
 5. symbolic repertoire
 6. Paradigmatic Behaviorism
 7. psychosemantic
 8. meaning system

برنامه^۱ و «برنامه عملیاتی»^۲ (تدابیر عمل) مربوط می‌شود (کرتیلر و کرتیلر، ۱۹۹۲). بر اساس این تحلیل شناختی شاید بتوان گفت افراد با ویژگی‌های خاصی مثل روان‌رنجوری افسردگی و با صفت شخصیتی برون‌گرایی ممکن است برنامه‌های رفتاری متفاوت از هم در پردازش اطلاعات داشته باشند.

بیشترین ادبیات پژوهشی در ارتباط با موضوع صرف پردازش محرکات هیجانی مثل موسیقی، تصاویر، نمایش فیلم، اسلاید، عکس، بوها و در اغلب موارد کلمه‌ها بوده است. مثلاً ماتیوس و مک لئود^۳ (۱۹۸۵)، با استفاده از آزمون استروپ نشان دادند که در مقایسه با عملکرد گروه شاهد افراد مضطرب در نام بردن رنگ واژه‌های تهدید کننده و ترس‌آور دچار کندی بودند (به نقل از بروین، ۱۳۷۶، ص ۹۲). در بررسی دیگر لوی^۴ و همکاران (۱۹۹۴) در خصوص سوگیری توجه در افراد مبتلا به اختلال وسواس فکری - عملی (OCD) مرتبط با مفاهیم مثبت و منفی مربوط به شست و شو مثل مرتب، پاک، کثیف، بیماری و مفاهیم مثبت و منفی مربوط به واریسی مثل دقیق، احتیاط، شک، غلط در مقایسه با گروه کنترل در زمان واکنش تفاوت‌های معنی‌داری به دست آوردند.

در پژوهشی دیگر هالبرست^۵ و همکاران (۱۹۹۵)، با استفاده از روش القاء خلق در خصوص بررسی آثار خلق شاد و غمگینی در تعبیر کلمات متشابه و هم‌آوا^۶ (کلمات با املاء و معنی متفاوت و کلمات با یک شکل تلفظ و دو روش نوشتن) به این یافته دست پیدا کردند که شرکت‌کنندگان با خلق شاد تعبیرات خوشایندی به کلمات شاد نسبت به کلمات غمگینی داشتند. (به نقل از راستینگ و چریل، ۱۹۹۸). در مطالعه‌ای بر اساس آزمون افتراق معنایی آرتور^۷ (۱۹۶۱) درباره پردازش معنایی هشت مفهوم (عشق، شادکامی، ترس، گناه، خودم، خودم آنچه که دوست دارم باشم، دودلی و تهییج) بر اساس سه بعد معنی ارزیابی، توانایی و فعالیت در بین سه گروه بیمار هذیانی و مبتلا به فوبی و گروه کنترل به این نتیجه رسید، که در

-
1. program schema
 2. operational programe
 3. Mathews & Macleod
 4. Lavy
 5. Halberst
 6. homophones
 7. Artur

ابعاد معنی "فعالیت و توانایی" بین سه گروه تفاوت وجود داشت. (به نقل از مارکس، ۱۹۶۵) گروه هذیانی در نمره‌های مربوط به مفاهیم هذیانی شدت بالاتر داشتند که بیشتر در عاملهای نیرومندی (توانایی) و فعالیت معنی این شدت مشاهده شد و در گروه فوییک مفاهیم مربوط به هراس در مقایسه با سایر مفاهیم نیز نشان داده شد که شدت نمره‌ها در عاملهای نیرومندی و فعالیت معنی بود. همچنین مارکس (۱۹۶۵) در بررسی افتراق معنایی پانزده مفهوم هیجانی بین سه گروه افراد مبتلا به وسواس فکری- عملی، ضد اجتماع و گروه کنترل به این نتیجه رسید که در بُعد ارزیابی معنی بین سه گروه تفاوت وجود داشت. این سه گروه مفاهیم را در پنج مقیاس بُعد ارزیابی معنی یعنی (نامطبوع- مطبوع، تمیز- کثیف، بد- خوب، خوشایند- ناخوشایند، سنگدل - مهربان) متفاوت نمره گذاری کرده بودند.

این پژوهش در راستای تقدّم شناخت بر عاطفه که فرض می‌کند نخست به محرک، رویداد یا موقعیت توجه می‌شود، شناسایی و طبقه‌بندی می‌شود و با تجارب قبلی ذخیره می‌شود در حافظه ارتباط برقرار می‌کند و بر اساس طرح‌واره برنامه و برنامه عملیاتی پاسخ عاطفی ویژه‌ای را تولید می‌کند، این فرض کلی را پی می‌گیرد که ممکن است واکنشهای عاطفی افراد با افسردگی غیر بالینی و افراد با صفت شخصیتی برون‌گرایی به محرکات، وابسته به چهار متغیر به ابعاد معنی (ارزشی، فعالیت، توانایی و خطر) مربوط باشد. برای دستیابی به این هدف سه فرضیه بررسی شده است.

- ۱- در افتراق معنایی مفاهیم هیجانی از حوزه خشم- خصومت بین افراد با صفت شخصیتی برون‌گرایی و افراد با افسردگی غیر بالینی تفاوت وجود دارد.
- ۲- در افتراق معنایی مفاهیم هیجانی در حوزه ترس - اضطراب بین افراد با صفت شخصیتی برون‌گرایی و افراد با افسردگی غیر بالینی تفاوت وجود دارد.
- ۳- در افتراق معنایی مفاهیم هیجانی در حوزه عشق - علاقه بین افراد با صفت شخصیتی برون‌گرایی و افراد با افسردگی غیر بالینی تفاوت وجود دارد.

روش

جامعه آماری و نمونه

جامعه آماری این پژوهش دانشجویان مقطع کارشناسی بودند، که در سال تحصیلی ۸۴-۸۳ در دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه ارومیه مشغول تحصیل بودند. کل دانشجویان در این دانشکده برابر با ۲۰۵۴ نفر بود. شرکت در این پژوهش داوطلبانه بود که کل داوطلبان در این پژوهش ۱۸۰ نفر بودند که پرسشنامه ۱۹ نفر از آنها به علت ناقص پرسیدن از گروه نمونه حذف شد. با توجه به حذف پرسشنامه‌های ناقص تعداد نمونه نهایی برابر با ۱۶۱ نفر بود. از این ۱۶۱ نفر ۱۱۴ نفر، برای مشخص شدن صفت شخصیتی، داوطلب بودند. از این تعداد ۷۸ نفر میان‌گرا، ۱۱ نفر نمره بالاتر در مقیاس درون‌گرایی و در حدود ۲۵ نفر از پاسخگویان بالاترین نمره در مقیاس برون‌گرایی داشتند، که به عنوان نمونه خالص انتخاب شدند. از ۱۶۱ نفر ۴۷ نفر نیز، برای مشخص شدن وضعیت افسردگی خود، داوطلب بودند که حدود ۲۵ آزمودنی به عنوان افراد با افسردگی غیربالینی بر اساس آزمون افسردگی بک نسخه دوم انتخاب شدند.

ابزار پژوهش

۱- سیاهه شخصیتی آیزنک^۱ (EPI): آیزنک و آیزنک (۱۹۶۴) یک پرسشنامه ۵۷ آیتمی با (نمره ۱) برای بلی و نمره (۰) برای نه معرفی کرده‌اند. کومز و همکاران با اجرای این سیاهه شخصیت بر یک نمونه ۱۴۳ نفری ضریب الفای کرونباخ را در همسانی درون ۰/۷۹ گزارش کرده‌اند. (به نقل از کومز و همکاران، ۲۰۰۲) عسگری (۱۳۸۳) جهت برآورد پایایی مقیاس‌های چهارگانه پرسشنامه شامل مقیاس دروغ‌سنجی، روان‌پریش‌گرایی، روان‌رنجوری‌گرایی و برون‌گرایی از روش بازآزمایی (با فاصله یک ماه) به ترتیب ضرایب ۰/۷۰، ۰/۵۹، ۰/۷۰ و ۰/۵۵ را گزارش داده است. این آزمون به صورت انفرادی اجرا شد و کسانی که نمره آنها در مقیاس^۲ (E)، ۱۷ و بالاتر بود به عنوان برون‌گرا محسوب شدند.

1. Eysenk personality inventory
3. Extraversion

۲- پرسشنامه افسردگی بک - نسخه ۲ (BDI-II): BDI به عنوان یک ابزار خود گزارش دهی به طور اولیه بک و همکاران او آن را، در سال ۱۹۶۰، معرفی کردند. در سال ۱۹۹۶ بک و همکاران او نسخه دوم BDI-II را ارائه کرده‌اند که در آن بعضی گویه‌ها با DSM-IV همخوان است. و مشابه چاپ اول نیز یک اندازه‌گیری خود گزارش‌دهی ۲۱ عبارتی است (قاسم‌زاده و همکاران، ۲۰۰۵). قاسم‌زاده و همکاران (۲۰۰۵) در بررسی ویژگی روان‌سنجی نسخهٔ فارسی پرسشنامه افسردگی بک چاپ دوم^۲ بر ۱۲۵ دانشجوی ایرانی از دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی تهران و دانشگاه علامه طباطبائی ضریب آلفای کرونباخ را $\alpha = 0/87$ و ضریب بازآزمایی را $r = 0/74$ گزارش کرده‌اند. در این پژوهش از نسخهٔ ترجمه شده قاسم‌زاده و همکاران (۲۰۰۵) استفاده شد. نمونه مورد نظر بر اساس این آزمون نمونه غیربالینی بودند.

۳- آزمون افتراق معنایی^۳ (sd): این آزمون روش ابداعی آزگود و همکاران او (۱۹۷۵) است. فرض آزگود این است که این آزمون جنبه‌های تلویحی یا ضمنی معنی را اندازه‌گیری می‌کند. این آزمون معنی یک مفهوم را بر اساس مقیاس‌های دوقطبی معمولاً در یازده مقیاس می‌سنجد، که این ۱۱ خرده مقیاس در چهار بُعد معنی ارزشیابی شامل پنج خرده مقیاس، بُعد توانایی دو خرده مقیاس، بُعد فعالیت دو خرده مقیاس و بعد خطر دو خرده مقیاس است. نحوه نمره‌گذاری آن از ۶-۰ است و علامت ضربدر (x) در هر خرده مقیاس نمره خام آن مفهوم در آن مقیاس خاص خواهد بود.

آزگود و همکاران (۱۹۷۵) همسانی پاسخ اکثریت آزمودنی‌ها را به محرکها (مفاهیم) دال بر اعتبار صوری ذکر کردند (به نقل از نظیری، ۱۳۸۳). در خصوص پایایی آزمون آزگود و همکاران (به نقل از مارکس، ۱۹۶۵) یک ضریب بازآزمایی ۰/۸۵ را گزارش داده‌اند. به تبع کارهای اولیه آزگود (۱۹۵۷) و مارکس (۱۹۶۵) در این پژوهش با استفاده از روش بازآزمایی برای کوتاه مدت (یک هفته) برای $n = 45$ آزمودنی ضریب ۰/۵۹ به دست آمد.

۴- مفاهیم هیجانی: پانزده مفهوم هیجانی از طیف تجربه هیجانی از سه حوزه خشم - خصومت^۴، حوزه ترس - اضطراب^۱، حوزه عشق - علاقه^۲ انتخاب شد، که معمولاً از نظر

-
1. Beck Depression Inventory- II
 2. BDI-II-Persian
 3. Semantic differential test
 1. anger-hostility area

روان‌پزشکان، روان‌کاوان و روان‌درمانگران از لحاظ بالینی مهم هستند. حوزه خشم - خصومت دربرگیرنده مفاهیم مربوط به پرخاشگری و احساسات منفی از جمله (ناراحتی، احساسات زمانی که عصبانی هستیم، کینه‌توزی - آزرده‌گی و نفرت) بودند. حوزه ترس - اضطراب دربرگیرنده مفاهیم مربوط به گریز با احساس ناخوشایندی از جمله (ترس، وحشتی که داشته‌ام، اضطراب، احساسات زمانی که ترسیده‌ام، نگرانی) بودند. حوزه عشق - علاقه در برگیرنده احساسات مثبت از جمله مفاهیم (عشق، دوست داشتن، شادی، دل‌بستگی و اشتیاق) بودند. ظرفیت هیجانی مفاهیم به وسیله ۱۲۰ نفر از دانشجویان دانشگاه پیام‌نور و ارومیه درجه‌بندی شدند: دانشجویان این ۱۵ مفهوم را از نظر میزان ارتباط این عبارات یا کلمات با حالات خشم - خصومت، ترس - اضطراب و عشق - علاقه در کاربرد روزمره و حالات خاص هیجانی بر اساس یک مقیاس هفت درجه‌ای (صفر تا شش) درجه‌بندی کردند.

به منظور بررسی نتایج برای سه فرضیه مطرح شده از طرح آماری تجزیه و تحلیل واریانس ANOVA برای دو گروه مستقل و آزمون t استفاده شد که با استفاده از نرم‌افزار^۳ spss تجزیه و تحلیل شد.

شیوه اجرا

برای آزمودنی‌های داوطلب، بعد از شرح و توضیح پژوهش و با درخواست به شرکت در آزمون شخصیت یا افسردگی، به طور انفرادی اجرا شد. بعد از اینکه مشخص می‌شد فرد نمره بالا در صفت شخصیتی برون‌گرایی دارد به عنوان آزمودنی برای گروه اول انتخاب می‌شد. همچنین درباره گروه با نمره بالا در افسردگی بعد از اینکه آزمودنی نمره بین (۲۹-۱۷) به دست می‌آمد به عنوان گروه افسرده غیربالینی محسوب می‌شد. این نمره بر اساس نمره گذاری پرسشنامه افسردگی بک نسخه دوم (قاسم زاده و همکاران، ۲۰۰۵) است. بعد از مشخص شدن آزمودنی‌ها آزمون افتراق معنایی آنگود برای پانزده مفهوم هیجانی اجرا شد. برای هر آزمودنی یک آزمون که از جمله ۱۵ مفهوم بالای هر صفحه جهت افتراق معنایی ارائه شد. دستورالعمل

-
1. Fear-Anxiety
 2. Affection-love
 3. statistical package for the social science (spss)

لازم برای اجرا نیز در صفحه‌های اول به طور کامل آمده بود. (در ضمیمه)

یافته‌های پژوهش

یافته‌های حاصل از ویژگی‌های جمعیت شناختی که در این پژوهش شرکت داشتند میانگین سنین به سال و انحراف استاندارد و در کل برای گروه با صفت شخصیتی برون‌گرایی با $n_1 = 25$ مساوی با $[\bar{X}_1 = 21$ و $sd = 1/9$] و برای گروه با نمره بالا در آزمون افسردگی با $n_2 = 25$ مساوی با $[\bar{X}_2 = 22/4$ و $sd = 2/5$] در سطح $p < 0/05$ با نمره t مساوی (۳) تفاوت معنی‌داری بین دو گروه وجود نداشت.

در خصوص ظرفیت هیجانی مفاهیم درجه بندی شده در ۱۲۰ نفر دانشجوی برای سه حوزه خشم - خصومت، ترس - اضطراب، عشق و علاقه یافته‌های زیر به دست آمد که در جدول (۱) آمده است.

جدول ۱: ظرفیت هیجانی مفاهیم، درجه‌بندی شده در یک مقیاس هفت درجه‌ای (۰-۶) در ۱۲۰

دانشجوی دانشگاه ارومیه و پیام‌نور

حوزه‌ها	مفاهیم	میانگین	انحراف‌معیار
الف) خشم - خصومت بیشتر از $\bar{X} = 4$	ناراحتی	۴/۱	۱/۶
	احساساتم زمانی که عصبانی هستم	۴/۶	۱/۳
	کینه‌توزی	۴/۳	۱/۵
	آزردگی	۴/۶	۱/۵
	نفرت	۴/۹	۱/۲
ب) ترس - اضطراب بیشتر از $\bar{X} = 4$	ترس	۴/۷	۱/۲
	وحشتی که داشته‌ام	۴/۴	۱/۲
	اضطراب	۵	۱/۲
	احساساتم زمانی که ترسیده‌ام	۴/۱	۱/۲
	نگرانی	۴/۲	۱/۹
ج) عشق - علاقه بیشتر از $\bar{X} = 4$	عشق	۴/۸	۱/۳
	دوست داشتن	۵/۵	۰/۸۳
	شادی	۵/۲	۱/۰۲
	دلبستگی	۴/۶	۱/۴
	اشتیاق	۴/۸	۱/۳

فرضیه‌ی اول پژوهش: در افتراق معنایی مفاهیم هیجانی در حوزه خشم- خصومت میان افراد با صفت شخصیتی برون‌گرایی و افراد با افسردگی غیر بالینی تفاوت وجود دارد. برای جواب‌گویی به این فرضیه الگوهای معناگذاری (پاسخهای افتراق معنایی) دو گروه در چهار بُعد ارزیابی، فعالیت، توانایی و خطر و ۵ مفهوم این حوزه (ناراحتی، احساسات زمانی که عصبانی هستم، کینه‌توزی، آزرده‌گی از مردم، نفرت) بررسی شد، که میانگین‌ها و انحراف معیار در جدول ۲ آمده است.

جدول ۲: میانگینها و انحراف معیار پنج مفهوم از حوزه‌ی خشم و خصومت بین دو گروه با صفت شخصیتی برون‌گرایی و افراد با افسردگی غیر بالینی

گروه برون‌گرا $n_1 = 25$		گروه افسردگی تحت بالینی $n_2 = 25$		مفاهیم هیجانی
میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	
۳۲/۲۸	۴/۴۳	۳۶/۴۴	۵/۱۲	ناراحتی
۳۴/۵۶	۵	۳۶/۷۲	۴/۰۷	احساسات زمانی که عصبانی هستم
۳۳/۷۲	۵/۴۸	۳۵/۹۲	۵/۱۲	کینه‌توزی
۳۴/۷۶	۵/۴۱	۳۵/۳۲	۵/۲۸	آزرده‌گی
۳۴/۸۸	۳/۹۴	۳۴/۳۶	۵/۲۶	نفرت

به منظور بررسی تفاوت بین میانگین‌ها از تجزیه و تحلیل واریانس یک طرفه گروه مستقل استفاده شد که نتایج این آزمون در جدول ۳ آمده است.

جدول ۳: نتایج تحلیل واریانس افتراق معنایی پنج مفهوم هیجانی از حوزه خشم- خصومت بین دو گروه با صفت شخصیتی برون‌گرایی و افراد افسرده غیربالینی

مفهوم	منبع تغییر	مجموع مجذورات	درجات آزادی	میانگین مجذورات	نسبت F	سطح معنی‌داری
ناراحتی*	بین گروهی	۱۲۴/۸۲۰	۱	۱۲۴/۸۲	۵/۴۳۱	* ۰/۰۲۴
	درون‌گروهی	۱۱۰۳/۲۰	۴۸	۲۲/۹۸		-
	کل	۱۲۲۸/۰۲۰	۴۹			-
احساسات زمانی که عصبانی هستم	بین گروهی	۵۸/۳۲	۱	۵۸/۳۲	۳/۷۳۶	۰/۰۵۹
	درون‌گروهی	۷۴۹/۲۰	۴۸	۱۵/۶۰۸		
	کل	۸۰۷/۵۲	۴۹			

مفهوم	منبع تغییر	مجموع مجذورات	درجات آزادی	میانگین مجذورات	نسبت F	سطح معنی داری
کینه توزی	بین گروهی	۶۰/۵	۱	۶۰/۵۰	۲/۱۵	۰/۱۴۹
	درون گروهی	۱۳۵۰/۸۸	۴۸	۲۸/۱۴		
	کل	۱۴۱۱/۳۸	۴۹			
آزردگی	بین گروهی	۳/۹۲۰	۱	۳/۹۲۰	۰/۱۳۷	۰/۷۱۳
	درون گروهی	۱۳۷۲	۴۸	۲۸/۵۸		
	کل	۱۳۷۵/۹۲	۴۹			
نفرت	بین گروهی	۳/۳۸	۱	۳/۳۸	۰/۱۵۶	۰/۶۹۴
	درون گروهی	۱۰/۳۸/۴	۴۸	۲۱/۶۳		
	کل	۱۰۴۱/۷۸	۴۹			

* $p < 0/05$

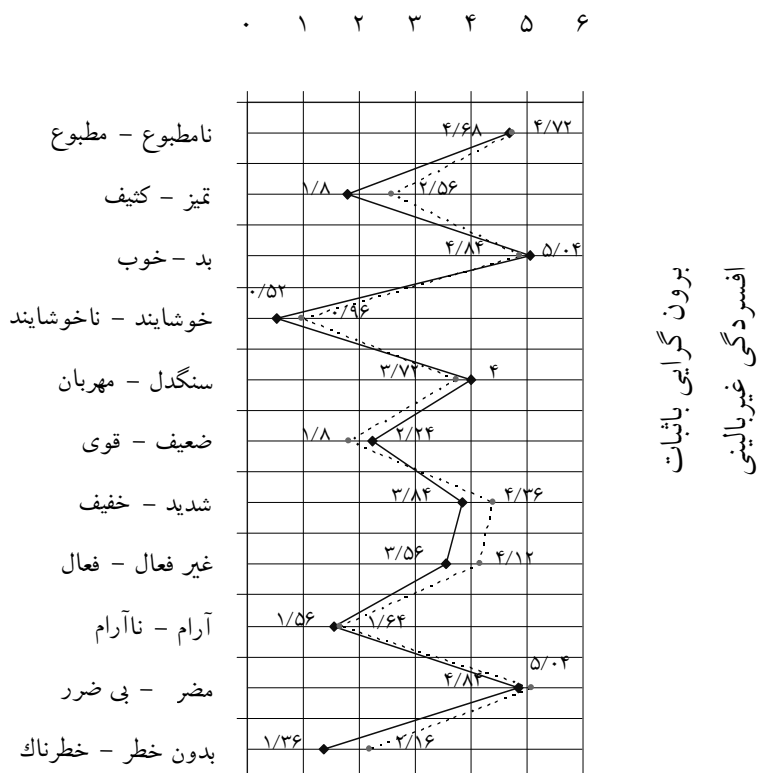
همانگونه که ملاحظه می شود تحلیل واریانس نشان می دهد F به دست آمده در حوزه خشم - خصومت تنها در مفهوم «ناراحتی» بین دو گروه با صفت شخصیتی برون گرایی و افسردگی غیربالیینی در سطح $p < 0/05$ معنی دار است. به منظور روشن شدن این نکته که تفاوت بیشتر در کدامیک از ابعاد معنی است یعنی در کدامیک از ابعاد این تفاوت بیشتر دیده شده اند و برای ارزیابی اختلاف میانگین ها مقایسه دو به دو انجام شد که در جدول ۴ آمده است.

جدول ۴: خلاصه نتایج مقایسه دو به دو میانگین ابعاد معنی از حوزه خشم- خصومت برای «مفهوم ناراحتی» بین دو گروه

مفهوم	مقایسه ابعاد	df	t مشاهده شده	سطح معنی داری
ناراحتی	ارزیابی *	۴۸	۲/۳۵	$p < 0/05$
	توانایی	۴۸	۰/۲۰	۰/۰۰۰۱
	فعالیت	۴۸	۰/۹۶	۰/۰۰۰۱
	خطر	۴۸	۱/۳۲	۰/۰۰۰۱

نتایج حاصل از مقایسه دو به دو میانگین ها نشان می دهند از بین چهار بُعد معنی در بُعد ارزیابی (نامطبوع - مطبوع، تمیز - کثیف، بد - خوب، خوشایند - ناخوشایند، سنگدل - مهربان) تفاوت معنی دار وجود دارد. جهت مقایسه عینی تر به نمودار ۱ توجه شود.

نمودار ۱: مقایسه ی مفهوم «ناراحتی» بین گروه‌های افراد با صفت شخصیتی برون‌گرایی و افراد افسرده غیربالینی



چنانچه در نمودار ملاحظه می‌شود افراد با صفت شخصیتی برون‌گرایی مفهوم ناراحتی را کثیف‌تر و بدتر، ناخوشایندتر و سنگدل‌تر از گروه افسرده غیربالینی ارزیابی کرده‌اند، که در سطح $p < 0/05$ این تفاوت معنی‌دار است.

فرضیه دوم پژوهش: در افتراق معنایی مفاهیم هیجانی در حوزه ترس - اضطراب بین افراد با صفت شخصیتی برون‌گرایی و افراد با افسردگی تحت بالینی تفاوت وجود دارد.

جهت پاسخگویی به این سؤال، پاسخهای افتراق معنایی دو گروه در ابعاد معنی‌آرزیابی، فعالیت، توانایی و خطر برای پنج مفهوم در این حوزه شامل ترس، وحشتی که داشته‌ام، اضطراب، احساساتم زمانی که ترسیده‌ام و نگرانی بررسی شد، که میانگین‌ها و انحراف معیار در جدول ۵ آمده است.

جدول ۵: میانگین‌ها و انحراف معیار پنج مفهوم از حوزهٔ ترس - اضطراب بین دو گروه با صفت شخصیتی برون‌گرایی و افراد با افسردگی غیر بالینی

افسردگی غیر بالینی $n_2 = 25$		برون‌گرایی $n_1 = 25$		مفاهیم هیجانی
انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین	
۳/۹۲	۳۴/۵۲	۶/۰۷	۳۳/۸۴	ترس
۵/۹۶	۳۴/۴۰	۸/۰۱	۳۳/۷۲	وحشتی که داشته‌ام
۴/۰۹	۳۶/۶۴	۴/۲۲	۳۴/۲۰	اضطراب
۴/۱۷	۳۶/۱۲	۴/۴۵	۳۷/۰۸	احساساتم زمانی که ترسیده‌ام
۴/۲۹	۳۵/۴۴	۵/۸۸	۳۴/۴۸	نگرانی

به منظور بررسی تفاوت بین میانگین‌ها از تجزیه و تحلیل واریانس استفاده شد، که نتایج این آزمون در جدول ۶ آمده است.

جدول ۶: نتایج تحلیل واریانس افتراق معنایی پنج مفهوم هیجانی از حوزه ترس - اضطراب بین دو گروه با صفت شخصیتی برون‌گرایی و افراد افسرده غیر بالینی

مفهوم	منبع تغییر	مجموع مجذورات	درجات آزادی	میانگین مجذورات	نسبت F	سطح معنی‌داری
ترس	بین گروهی	۵/۷۸	۱	۵/۷۸	۰/۲۲۱	۰/۶۴۰
	درون‌گروهی	۱۲۵۵/۶۰	۴۸	۲۶/۱۵۸		
	کل	۱۲۶۱/۳۸	۴۹			
وحشتی که داشته‌ام	بین گروهی	۵/۷۸	۱	۵/۷۸	۰/۱۱۶	۰/۷۳۵
	درون‌گروهی	۲۳۹۵/۰۴	۴۸	۴۹/۸۹۷		
	کل	۲۴۰۰/۸۲	۴۹			
اضطراب*	بین گروهی	۷۴/۴۲	۱	۷۴/۴۲	۴/۳۰۵	* ۰/۰۴۳
	درون‌گروهی	۸۲۹/۷۶	۴۸	۱۷/۲۸۷		
	کل	۹۰۴/۱۸	۴۹			
احساساتم زمانی که ترسیده‌ام	بین گروهی	۱۱/۵۲	۱	۱۱/۵۲	۰/۶۱۸	۰/۴۳۶
	درون‌گروهی	۸۹۴/۴۸	۴۸	۱۸/۶۳۵		
	کل	۹۰۶	۴۹			
نگرانی	بین گروهی	۱۱/۵۲	۱	۱۱/۵۲	۰/۴۳۵	۰/۵۱۳
	درون‌گروهی	۱۲۷۲/۴۰	۴۸	۲۶/۵۰۸		
	کل	۱۲۸۳/۹۲	۴۹			

* $p < 0.05$

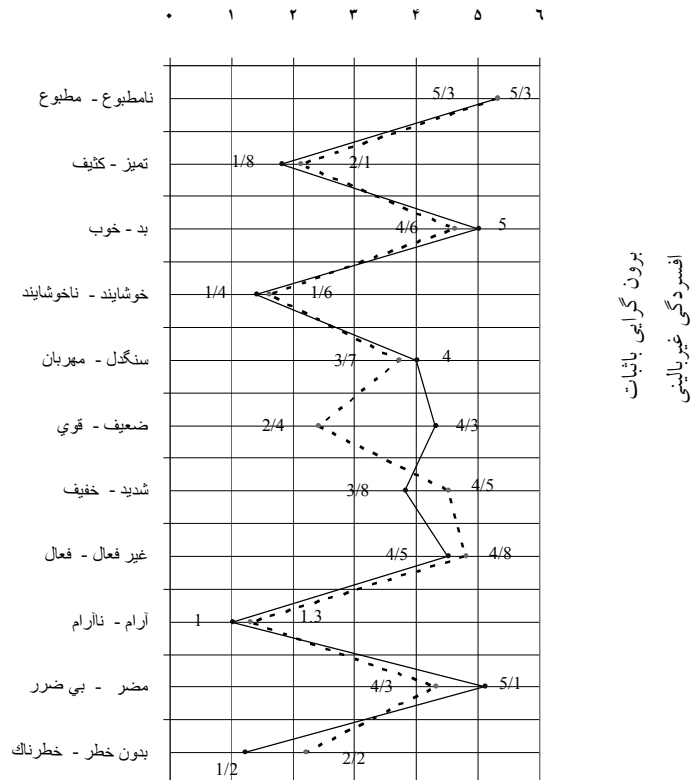
همانگونه که ملاحظه می‌شود تحلیل واریانس نشان می‌دهد F به دست آمده در حوزه ترس - اضطراب تنها در مفهوم «اضطراب» بین دو گروه با صفت شخصیتی برون‌گرایی و افسردگی غیر بالینی در سطح $p < 0/05$ معنی‌دار است. به منظور روشن کردن این نکته که تفاوت بیشتر در کدامیک از ابعاد ارزیابی، فعالیت، توانایی و خطر معنی است و برای ارزیابی اختلاف میانگین‌ها مقایسه دو به دو انجام شد.

جدول ۷: نتایج مقایسه دو به دو میانگین ابعاد معنی از حوزه ترس - اضطراب برای مفهوم «اضطراب» بین دو گروه

مفهوم	مقایسه ابعاد	df	t مشاهده شده	سطح معنی‌داری
اضطراب	ارزیابی	۴۸	۰/۷۸	۰/۰۰۰۱
	توانایی	۴۸	۳/۴۶	$p < 0/05$
	فعالیت	۴۸	۲/۲	۰/۰۰۰۱
	خطر	۴۸	۱/۲۹	۰/۰۰۰۱

نتایج حاصل از مقایسه دو به دو میانگین‌ها نشان می‌دهند از بین چهار بُعد معنی در بُعد توانایی (ضعیف - قوی، شدید - خفیف) تفاوت معنی‌دار وجود دارد. جهت مقایسه عینی به نمودار ۲ توجه شود.

نمودار ۲: مقایسه مفهوم «اضطراب» بین گروههای افراد با صفت شخصیتی برون‌گرایی و افراد افسرده غیربالینی



در نمودار، چنانکه دیده می‌شود افراد با صفت شخصیتی برون‌گرایی مفهوم اضطراب را ضعیف‌تر و خفیف‌تر و افراد با افسردگی غیربالینی این مفهوم را قوی‌تر و شدیدتر ارزیابی کرده‌اند که در سطح $p < 0/05$ این تفاوت معنی دار است.

فرضیه سوم پژوهش: در افتراق معنایی مفاهیم هیجانی در حوزهٔ عشق - علاقه میان افراد با صفت شخصیتی برون‌گرایی و افراد با افسردگی تحت بالینی تفاوت وجود دارد.

برای پاسخ‌گویی به این سؤال پاسخهای افتراق معنایی دو گروه در چهار بُعد و پنج مفهوم از این حوزه یعنی عشق، دوست داشتن، شادی، دلبستگی و اشتیاق بررسی شد، که میانگینها و انحراف معیار آنها در جدول ۸ آمده است.

جدول ۸: میانگینها و انحراف معیار پنج مفهوم از حوزه‌ی عشق - علاقه بین دو گروه با صفت شخصیتی برون‌گرایی و افراد افسرده غیر بالینی

مفاهیم	برون‌گرایی $n_1 = 25$		افسردگی تحت بالینی $n_2 = 25$	
	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار
عشق	۳۴/۳۶	۴/۵۰	۳۱/۴۴	۴/۷۰
دوست داشتن	۳۴/۶۰	۴/۸۴	۳۳/۰۴	۵/۲۷
شادی	۳۲/۸۴	۴/۳۱	۳۲/۱۸	۳/۸۴
دل بستگی	۳۴/۰۸	۵/۹۸	۳۲/۲۸	۵/۱۱
اشتیاق	۳۲/۲۰	۴/۷۶	۳۰/۹۶	۴/۹۶

به منظور بررسی تفاوت از تجزیه و تحلیل واریانس استفاده شد که نتایج این آزمون در جدول ۹ آمده است.

جدول ۹: نتایج تحلیل واریانس افتراق معنایی پنج مفهوم هیجانی از حوزه عشق - علاقه بین دو گروه با صفت شخصیتی برون‌گرایی و افراد افسرده غیر بالینی

مفهوم	منبع تغییر	مجموع مجذورات	درجات آزادی	میانگین مجذورات	نسبت F	سطح معنی‌داری
عشق	بین گروهی	۱۰۶/۵۸	۱	۱۰۶/۵۸	۵/۰۱۶	* ۰/۰۳۰
	درون‌گروهی	۱۰۱۹/۹۲۰	۴۸	۲۱/۲۴۸		
	کل	۱۱۲۶/۵۰	۴۹			
دوست داشتن	بین گروهی	۳۰/۴۲	۱	۳۰/۴۲	۱/۱۸۶	۰/۲۸۲
	درون‌گروهی	۱۲۳۰/۹۶	۴۸	۲۵/۶۵۴		
	کل	۱۲۶۱/۳۸	۴۹			
شادی	بین گروهی	۰/۳۲	۱	۰/۳۲	۰/۰۱۹	۰/۸۹۱
	درون‌گروهی	۸۰۲/۸۰	۴۸	۱۶/۷۲۵		
	کل	۸۰۳/۱۲۰	۴۹			
دل بستگی	بین گروهی	۴۰/۵۰	۱	۴۰/۵۰	۱/۳۰۶	۰/۲۵۹
	درون‌گروهی	۱۴۸۸/۸۸۰	۴۸	۳۱/۰۱۸		
	کل	۱۵۲۹/۳۸	۴۹			
اشتیاق	بین گروهی	۱۹/۲۲	۱	۱۹/۲۲	۰/۸۱۳	۰/۳۷۲
	درون‌گروهی	۱۱۳۴/۹۶	۴۸	۲۳/۶۴۵		
	کل	۱۱۵۴/۱۸	۴۹			

* $p < 0.05$

همانگونه که ملاحظه می‌شود تحلیل واریانس نشان می‌دهد F به دست آمده در حوزه عشق - علاقه، تنها در مفهوم «عشق» بین دو گروه با صفت شخصیتی برون‌گرایی و افسردگی غیر بالینی در سطح $p < 0/05$ معنی‌دار است. به منظور روشن شدن این مسئله که تفاوت بیشتر در کدامیک از ابعاد معنی است و برای ارزیابی اختلاف میانگین‌ها مقایسه دو به دو انجام شد.

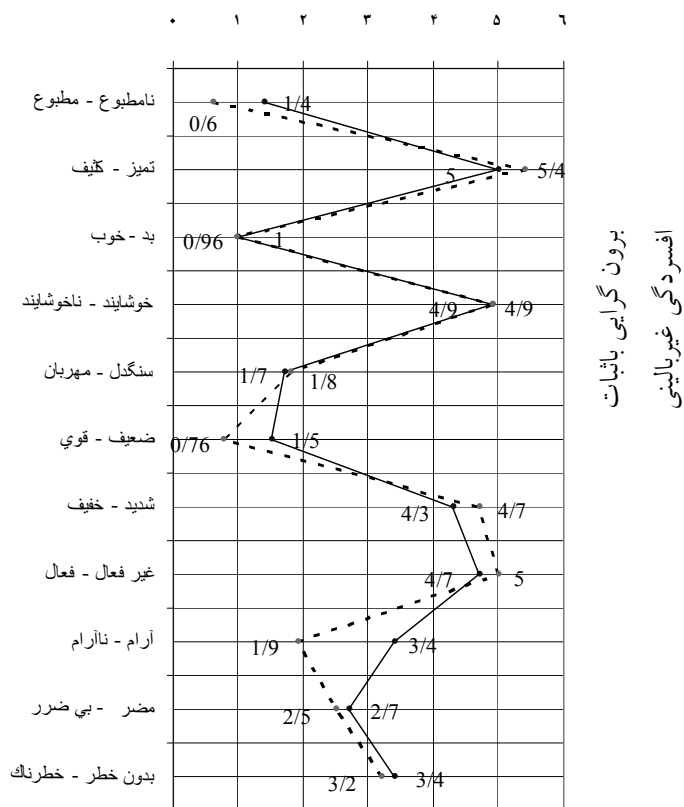
جدول ۱۰: خلاصه نتایج مقایسه دو به دو میانگین ابعاد معنی از حوزه عشق - علاقه برای مفهوم «عشق» بین دو گروه با صفت شخصیتی برون‌گرایی و افسردگی غیر بالینی

مفهوم	مقایسه ابعاد	df	t مشاهده شده	سطح معنی‌داری
عشق	ارزیابی	۴۸	۱/۲	۰/۰۰۰۱
	توانایی*	۴۸	۲/۰۴	$p < 0/05$
	فعالیت	۴۸	۱/۲۹	۰/۰۰۰۱
	خطر	۴۸	-	۰/۰۰۰۱

نتایج حاصل از مقایسه دو به دو میانگین‌ها نشان می‌دهند از بین چهار بُعد معنی در بُعد توانایی (ضعیف - قوی، شدید - خفیف) تفاوت معنی‌دار وجود دارد. جهت مقایسه عینی به نمودار ۳ توجه شود.

نمودار ۳: مقایسه مفهوم «عشق» بین گروه‌های افراد با نمره‌های بالا در صفت شخصیتی برون‌گرایی

و افراد افسرده غیر بالینی



چنانکه نمودار نشان می‌دهد افراد گروه افسرده غیر بالینی مفهوم عشق را قوی‌تر و شدیدتر و افراد گروه برون‌گرا این مفهوم را ضعیف و خفیف ارزیابی کرده‌اند که این تفاوت در سطح $p < 0/05$ معنی‌دار است.

بحث و نتیجه‌گیری

فرضیه اساسی ما این بود که آیا در افتراق معنایی میان افراد با افسرده غیر بالینی و افراد با صفت شخصیتی برون‌گرایی تفاوتی وجود دارد یا نه؟ بنابراین، گروه آزمودنی افراد با افسرده

غیر بالینی با گروه افراد با صفت شخصیتی برون‌گرایی مقایسه شد، که نتایج کلی زیر برای افتراق معنایی ۱۵ مفهوم هیجانی (ناراحتی، احساساتم زمانی که عصبانی هستم، کینه‌توزی، آزدگی، نفرت، ترس، وحشتی که داشته‌ام، اضطراب، احساساتم زمانی که ترسیده‌ام، نگرانی، عشق، دوست داشتن، شادی، دل‌بستگی و اشتیاق) به دست آمد.

در بررسی افتراق معنایی برای ارزیابی پنج مفهوم از حوزه خشم - خصومت این نتیجه حاصل شد که در قضاوت معنایی مفهوم «ناراحتی» در پنج خرده‌مقیاس بُعد ارزیابی بین دو گروه تفاوت معنی‌داری وجود دارد. تجزیه و تحلیل آماری این مفهوم نشان داد که افراد برون‌گرا در مقایسه با گروه افسرده غیربالینی این مفهوم را کثیف‌تر و بدتر، ناخوشایندتر و سنگدل‌تر ارزیابی کردند. همچنین در بررسی افتراق معنایی برای ارزیابی ۵ مفهوم از حوزه ترس - اضطراب این نتیجه حاصل شد که در قضاوت معنایی مفهوم «اضطراب» در دو خرده‌مقیاس بُعد توانایی بین دو گروه تفاوت معنی‌داری وجود دارد. تجزیه و تحلیل آماری این مفهوم نشان داد که افراد با صفت شخصیتی برون‌گرایی این مفهوم را ضعیف‌تر، خفیف‌تر و افراد افسرده غیربالینی آن را قوی‌تر و شدیدتر ارزیابی کردند. در بررسی افتراق معنایی برای ارزیابی ۵ مفهوم از حوزه عشق - علاقه نیز این نتیجه حاصل شد که در قضاوت معنایی مفهوم «عشق» در دو خرده‌مقیاس بُعد توانایی بین دو گروه تفاوت معنی‌داری به دست آمد. تجزیه و تحلیل آماری نیز در این خصوص نشان می‌داد افراد افسرده غیر بالینی این مفهوم را قوی‌تر و شدیدتر و افراد با گروه صفت شخصیتی این مفهوم را ضعیف و خفیف ارزیابی کردند.

این یافته‌ها با نتایج حاصل از تحقیقات محققانی چون (ندنتال^۱، ۱۹۹۲؛ سیتزلند و جونز^۲؛ ۱۹۹۴، بارک^۳ و همکاران، ۱۹۹۸؛ بلانی^۴، ۱۹۸۶؛ ماتیوز و مک لود^۵، ۱۹۹۴؛ واتسون و کلارک^۶، ۱۹۸۴؛ راستینگ و لارسن^۷، ۱۹۹۵؛ به نقل از راستینگ، ۱۹۹۸) مشابه است و همسویی دارد. علاوه بر این نتایج یافته‌های حاصل مشابه بعضی پژوهش‌های انجام شده در

-
1. Niedenthal
 2. Setterland & Jones
 3. Bargh
 4. Blaney
 5. Mathews & Mcleod
 6. Watson & Clark
 7. Larsen

خصوص نگرشهای اندازه‌گیری شده در سطح هیجانی، رابطه شناخت و خلق، حافظه و خلق، تقدّم شناخت بر هیجان، صفات شخصیتی، خُلق و پردازش شناختی اطلاعات هیجانی است. در چارچوب نظریه‌های شناختی می‌توان این یافته‌ها را این گونه تعبیر کرد که علت تفاوت‌های پاسخ دهی هیجانی افراد تفاوت در پردازش معنایی در سیستم شناخت است. یک جنبه صرفاً روان شناختی در خصوص معنی این است که حالت شناختی استفاده‌کننده زبان یک شرایط پیش‌آیند ضروری و لازم برای رمزگردانی انتخابی نشانه‌ها محسوب می‌شود و متعاقباً در رمزگشایی انتخابی نیز تأثیر دارد. بر اساس چارچوب نظریه‌های رفتاری نیز این احتمال مطرح است، از آن جایی که تجارب یادگیری پیشین یا به عبارتی خزانه‌های رفتاری بنیادین افراد بی‌همتا است. لذا بار هیجانی مفاهیم برای یک تشخیص در مقایسه با شخص دیگر می‌تواند به واگرایی و تفاوت بر اساس تجارب یادگیری پیشین مربوط باشد. جهت‌مندی شناختی اولین مرحله در فرایندهای مداخله‌کننده بین یک درون‌داد و یک برون‌داد را که فرد با یک مصداق یا محرک مواجه می‌شود انتساب معنی به آن رویداد یا مصداق می‌دانند و این انتساب با طرحواره‌ها و پردازش طرحواره‌ای می‌تواند در ارتباط باشد.

در پرتو نظریه‌های شبکه هر کلمه در ذهن شبکه‌ای از اطلاعات را در سطوح مختلف آوایی، معنایی، نحوی و در عین حال تصویری، احساسی و عاطفی برمی‌انگیزد. بخش احساسی، عاطفی و تصویری با سطح مفهومی یعنی سطح عاطفی، هیجانی، موقعیتی و شخصی در ارتباط است، که خارج از بافت مفهومی ندارد. نتایج حاصل تا حدودی مشابه با بعضی پژوهش‌های انجام شده در خصوص پردازش تعبیری محرک‌های کلامی با بار هیجانی متفاوت است، که در این زمینه بیشتر به اثرات حالات خُلق موقتی و صفات شخصیتی و تعامل بین آنها در پردازش اطلاعات هیجانی توجه شده است (ریچاردز و فرنچ، ۱۹۹۲؛ ندنتال و کوشنر، ۱۹۹۵؛ ایزن و شالکر، ۱۹۸۳؛ به نقل از راستینگ، ۱۹۹۸). همچنین نتایج حاصل تا حدودی مشابه پژوهش‌های انجام شده در خصوص سوی‌مندی حافظه (لطفی افشار و همکاران، ۱۳۷۹؛ علیلو، عشایری، ۱۳۷۳) و ساختارهای معناگذاری حالت‌های هیجانی و پردازش شناختی اطلاعات هیجانی (فتحی و همکاران، ۱۳۸۴) است. در این پژوهش‌ها و سایر پژوهش‌های مشابه انجام شده (لارسن و رینر، ۱۹۸۵؛ باور، ۱۹۸۷؛ بلانی، ۱۹۸۶؛ تیزدیل و همکاران، ۱۹۸۰؛ کالینز و لوفتوس، ۱۹۷۵؛ به نقل از غریزی و گل پرور، ۱۳۸۵) نشان داده شده که به طور

نسبی حالات خلقی و هیجانی فرایندهای شناختی گوناگون نظیر پردازش معنایی محرکات مبهم را به طور جدی تحت تأثیر قرار می‌دهند. در تفسیر این یافته این احتمال مطرح است که در افراد با حالات خلق افسردگی و افراد با صفت شخصیتی برون‌گرایی بر اثر مواجهه با محرک‌های دارای بار عاطفی منفی و مثبت، مفاهیم مرتبط با این معانی و مفاهیم اولیه فعال می‌شوند و به دنبال این وضعیت آنها تلاش می‌کنند تا عملیات شناختی مثل قضاوت در خصوص آن مفهوم که خوب است یا بد، زشت یا زیبا، مضر است یا بی‌ضرر را به گونه‌ای هم‌جهت با حالات خلقی خود به کار ببندند. به علاوه چنانچه ذکر شد فعال شدن یک عاطفه یا هیجان در شبکه یادمان‌های فردی، باعث می‌شود تا افکار، باورها و خاطره‌های موقعیتی برای هوشیاری فرد نیز دست‌یافتنی‌تر شوند.

آن‌چه که باید به آن تأکید کرد اهمیت معنای تلویحی در برابر معنای تصریحی است. در بحث پردازش معنایی؛ آژگود دو سطح معنایی را طرح می‌کند: تصریحی^۱ که همان معنای عینی و ارجاعی است و معنای تلویحی^۲ که متأثر از بازخورها، نگرشها و ارزیابی است. از نظر آژگود معنای کلمات در ذهن بر اساس یک شبکه انتزاعی تعیین می‌شود، که فراتر از تجارب حسی خاص است. در عین حال خصوصیتی چند مشخصه‌ای پیدا می‌کند و عواطف را نیز دربرمی‌گیرد (قاسم زاده، ۱۳۷۹، ص ۴۳). در کل پیشینه پژوهشی در ارتباط با پردازش شناختی به اطلاعات هیجانی از سه نظر توجه شده است اول اثرات موقتی حالت خلقی و تأثیر آن در پردازش هیجانی اطلاعات؛ دوم اثرات ثابت صفات شخصیتی و تأثیر آنها در پردازش هیجانی اطلاعات و سوم اثرات تعاملی بین خلق و شخصیت و تأثیر آنها در پردازش. به نظر می‌رسد یافته‌های حاصل در راستای اثرات تعاملی خلق و شخصیت و تأثیر آنها در پردازش اطلاعات هیجانی است. اگر به این نتیجه برسیم که تفاوت در پاسخدهی هیجانی افراد به متغیر مداخله‌کننده تعبیر و معنی برمی‌گردد این نتایج ممکن است در حوزه پژوهش‌های بنیادی ارضاء‌کننده باشد، ولی سؤال این است که این یافته‌ها در روان‌شناسی به ویژه در حوزه بالینی و درمانی چه کاربردی می‌تواند داشته باشد؛ آن‌چه که در حوزه بالینی به آن توجه شده است بحث معنی و هیجان است. رویکرد سیستم‌های متعامل‌کننده شناختی (ICS) (برنارد تیزدیل،

1. denotative meaning
2. connotative meaning

۱۹۹۱؛ تیزدیل و برنارد، ۱۹۹۳؛ تیزدیل، ۱۹۹۳، ۱۹۹۶) به این موضوع نگاه جالب توجهی کرده است. ICS دو نوع بازنمایی را مطرح می‌کند: بازنمایی گزاره‌ای که معمولاً معانی در سطح اختصاصی خود پردازش می‌شوند. معنی در این سطح نسبتاً ساده دریافت می‌شود. اما تیزدیل از بازنمایی‌های دلالتی ضمنی نیز سخن می‌گوید که نمایانگر سطح کلی‌تر و همگانی‌تر معانی است در این سطح است که معنی با هیجان ارتباط برقرار می‌کند. رویکرد شناختی بالینی چنین فرض می‌کند که واکنش‌های هیجانی از طریق معانی داده شده به رویدادها واسطه‌مندی می‌شود. شناخت درمانی هدف آن بر این اساس تغییر در هیجان از طریق تغییر در معانی است. در کل احساس خشنودی یا ناخشنودی (پردازش هیجانی) به معنای ضمیمه بستگی دارد که بر اساس زمینه شناختی پردازش می‌شود. در واقع پردازش اطلاعات افراد وابسته به وضعیت و سازمانی است که تجربه‌های قبلی آنها نسبت به آن محرک در سیستم‌های بازنمایی داراست. نتایج پژوهش حاضر حاصل از آزمون افتراق معنایی پیشنهاد می‌کند که در زمینه آسیب‌شناسی روانی تجربی می‌تواند کاربردهای عملی داشته باشد. یافته‌های مقدماتی در این زمینه بر اساس آزمون فوق می‌تواند نشانه آن باشد که این روش می‌تواند جهت کشف ویژگی‌های ضمنی اصطلاحات هیجانی موجود در زبان وسیله‌ای خوب باشد (قاسم زاده، عیسی زادگان، ۱۳۸۲، ص ۲۵). محدودیت‌هایی در این پژوهش بود که می‌تواند به نمونه مورد پژوهش برگردد ممکن است دانشجویان نمونه حاضر نمایانگر کاملی از جمعیت دانشجویی نباشند. نتیجه‌گیری قطعی‌تر در این باره نیازمند انجام تحقیقات بیشتر همراه با بررسی نقش عوامل دیگر نظیر جنسیت و سایر متغیرها است.

منابع

- بروین، ک، ر، (۱۳۷۶). بنیادهای شناختی روان‌شناسی بالینی، ترجمهٔ علیلو، ع بخش‌پور، ح صبوری مقدم، تبریز، روان پویا.
- بیرشک، ب فتی، ل. دابسون، ک، (۱۳۸۴). ساختارهای معناگذاری، حالت‌های هیجانی و پردازش شناختی اطلاعات هیجانی، خلاصه مقالات کنگره پژوهش روان پزشکی و روان شناسی در ایران.
- دلاور، ع، (۱۳۷۴). مبانی نظری و عملی پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی، تهران، رشد.
- قاسم زاده، ح، (۱۳۷۹). شناخت و عاطفه: جنبه‌های بالینی و اجتماعی، تهران، فرهنگان
- قاسم‌زاده، ح، (۱۳۷۵). ویگوتسکی و انگیزه سخن، چیستا، سال سیزدهم، شماره ۸ و ۹، ص ۶۶۹-۶۵۸.
- عسگری، م، (۱۳۸۳). هنجاریابی پرسشنامه نوجوانان آیزنک برای دانش‌آموزان دورهٔ متوسطه همدان، پژوهش‌های روان‌شناختی، دوره ۷، شماره ۳ و ۴، ص ۸۰-۶۵.
- عشایری، ح و محمد علیلو، م، (۱۳۷۳). بررسی آزمایشی خلق بر حافظه، پژوهش‌های روان شناختی، دوره ۳، شماره ۱ و ۲.
- عیسی زادگان، ع. قاسم زاده، ح، (۱۳۸۲). رابطه بین پردازش اطلاعات معنایی و اختلال وسواس فکری، عملی، پژوهش‌های روان شناختی، دوره ۷، شماره ۱ و ۲.
- عریضی، ح و گل پرور، م، (۱۳۸۵). تفاوت افراد دارای هیجان‌های بالا و پایین در عملیات شناختی، تجرید گزینشی، شخصی سازی و تعمیم دهی افراطی، پژوهش‌های روان شناختی، دوره ۹، شماره ۲ و ۴.

- Anderson, J.R, (1990). Cognitive psychology its implications, New York, W.H. Freeman and company
- Eysenck, w & Eean, T, (2001). Cognitive psychology a student's handbook, Psychology press, LTP.
- Gomes, R, Gomes, A & Cooper, A, (2000). Neuroticism and Extraversion as predictors of negative and positive Emotional information processing: Comparing Eysenck's / Grays and Newman's Theories, *European journal of personality*, 16, 333-350
- Ghassemzadeh, H & etal, (2005). Psychometric properties of a persian-language

- version of The Beck Depression inventory - second edition: BDI II-persian, *Depression and Anxiety* 21: 185-192.
- Kreitler, S. & Kreitler, H, (1992). The cognitive view of personality: The approaches of meaning and cognitive orientation in Modern Personality psychology: *critical Reviews and New direction led caprara Gian-vittoria and van Heck Gunsl*, 255-282. Harvester- Wheatsheaf.
- Lavy, E, Van open, P. & Van der, H, (1994). Selective processing of emotional information in obsessive compulsive disorder, *Behavior Research Therapy*, Vol. 32 w.2 p. 243-246.
- Marks, M.D, (1965). *Patterns of meaning in psychiatric patients semantic differential Response in obsessive and psychopaths*, London, Oxford university press.
- Michon, J.A, Jackson, J.L & Jorna, R.j, (2003). Semiotic aspects of psychology: psychosemiotics, Berlin, W. de Gryter.
- Rusting, L. Cheryl, (1998). Personality / mood / and cognitive processing of emotional information, *Psychological Bulletin*, 124 / 165 - 196.
- Smythe / W. E. & Jorna, R. j, (1998). The signs we live by the relationship between semiotics and psychology, *journal of Theory and psychology*, Vol. 8 (6): 723-730
- Teasdale, D.j, (1999). Metacognition / Mindfulness and the Medication of mood disorders, *Clinical psychology and psychotherapy*, 146-155.